

اعضا، اختیارات و اهداف سازمانی و منابع، رقابت میان ناتو و سیاست دفاعی و امنیتی مشترک را اجتناب ناپذیر می‌کند.

### پیمان اصلاحی لیسبون (۲۰۰۷)

پیمان اصلاحی لیسبون که از دسامبر ۲۰۰۹ به اجرا درآمد تغییراتی را با هدف ارتقای سطح انسجام و کارآمدی سیاست‌های خارجی اتحادیه اروپا اعمال کرد. این پیمان در واقع درصد ترمیم سه نقطه ضعف اساسی برآمد که به باور تحلیلگران موجب ناکارآمدی سیاست‌های خارجی اتحادیه اروپا و فرآیند تصمیم‌گیری می‌شد. نخست آنکه دستیابی به توافق سیاسی میان ۲۸ دولت عضو امری دشوار

کشیده است. به عنوان مثال، مادلین آلبرات وزیر خارجه وقت آمریکا سه شرط را برای پذیرش سیاست دفاعی و امنیتی مشترک از سوی این کشور اعلام کرد:

- عدم تبعیض علیه دولت‌های عضو ناتو که عضو اتحادیه اروپا نیستند (همانند ترکیه)؛
- عدم جدا ساختن ایالات متحده از اروپا؛ و
- عدم موازی کاری با ناتو

از سوی دیگر، چالش دیگری که در زمینه نقش ناتو و روابط آن با سیاست دفاعی و امنیتی مشترک اروپایی وجود دارد، همپوشانی

خاویر سولانا، نخستیت مسئول  
ارشد سیاست خارجی اتحادیه اروپا



روسیه، موضوع الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا و یا نقش اتحادیه در فرآیند صلح خاورمیانه، بروکسل رویکرد شفاف و مشخصی ندارد. البته باید به این نکته نیز اشاره کرد که در عدم شکل‌گیری این فرهنگ و بینش راهبردی، دولت‌های بزرگ عضو اتحادیه نقش پررنگی ایفا می‌کنند. به عنوان مثال، آلمان تمایل چندانی برای ایفای نقش جهانی از سوی اتحادیه از خود نشان نمی‌دهد. بریتانیا نیز همواره نسبت به تعمیق همکاری در سطح اتحادیه بدبین بوده است. لندن هر چند همواره از تعهد خود نسبت به افزایش همکاری در حوزه دفاعی و امنیتی سخن به میان می‌آورد، اما تلاش چندانی برای نهادینه ساختن این تلاش‌ها نشان نمی‌دهد. فرانسه نیز همواره از اتحادیه اروپا به عنوان ابزاری برای پیشبرد منافع ملی و سیاست‌های خود استفاده کرده است. از سوی دیگر، در اتحادیه اروپا رویکرد نگاه به داخل بر رویکرد نگاه به بیرون ارجحیت دارد؛ بدین معنا که در این رویکرد به اتحادیه اروپا به عنوان کلویی نگریسته می‌شود که با استفاده از مجموعه‌ای از قوانین درصد تنظیم روابط داخلی اتحادیه است. می‌توان گفت که نبود یک راهبرد واحد در حوزه سیاست خارجی در تضاد کامل با توانمندی‌ها، ظرفیت‌ها و جایگاه اقتصادی این کنشگر است. به عبارت دیگر، اگر چنانچه این وضعیت ادامه پیدا کند، بروکسل نفوذ سیاسی خود به عنوان یک بازیگر هنجاری را نیز از دست خواهد داد.

### ۴- نحوه تعامل با ناتو

شکل‌گیری سیاست خارجی و امنیتی مشترک و سیاست دفاعی و امنیتی مشترک از آن جهت حائز اهمیت است که این دو سازوکار در محیطی شکل گرفتند که برای چندین دهه ناتو امنیت اتحادیه اروپا را تأمین می‌کرد. سیاست دفاعی و امنیتی مشترک بیانگر چرخش ایده تشکیل یک مجمع اروپایی در درون ناتو به نهادی است که درصد کسب استقلال از سازمان ناتو است. به باور برخی از صاحب نظران سیاست دفاعی و امنیتی مشترک به رقیبی پنهان برای ناتو تبدیل شده و انحصار ناتو به عنوان تنها تأمین کننده امنیت اروپا را به چالش

است. در بیشتر موارد، اختلاف‌های موجود میان دولت‌های عضو مانع شکل‌گیری یک سیاست مشترک می‌شد و امکان اتخاذ راهبردهای بلندمدت را از بین می‌برد. دیگر آنکه در بیشتر موارد بخش‌ها و شاخه‌های بین دولتی و فراملی سیاست خارجی به طور کامل و معنادار با یکدیگر پیوند نمی‌خورد و سوم آنکه ترتیبات نهادی پیشین از جمله ریاست چرخشی شش ماهه خود عاملی مهم در تغییر اولویت‌ها بود و مانع استمرار در سیاست‌گذاری‌ها می‌شد. یکی از ابتکارات پیمان لیسبون برای حذف این موانع ایجاد پست نماینده عالی اتحادیه اروپا در امور خارجی و سیاست امنیتی بود.

ساختاری و کارکردی میان ناتو و سیاست دفاعی و امنیتی مشترک اروپایی است. این همپوشانی در سه حوزه رخ می‌دهد: اعضا، اختیارات و منابع. امروزه ۲۲ دولت، عضو هر دو سازمان ناتو و سیاست دفاعی و امنیتی مشترک اتحادیه اروپا هستند. این مسئله می‌تواند این دولت‌ها را در زمینه هماهنگی میان سیاست‌های هر دو نهاد دچار سردرگمی کند. علاوه بر این، اختیارات ناتو و سیاست دفاعی و امنیتی مشترک اروپایی به طور گسترده‌ای مشابه و تقسیم کار مشخص، کاربردی و یا جغرافیایی بین این دو نهاد وجود ندارد. با توجه به چنین شرایطی، همپوشانی